

کلیات تخفیف و تشدید مجازات در آیین دادرسی ایران

مهدی نجفی^۱، غلامرضا سلطانفر^{۲*}

^۱ گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

*مسؤل مکاتبات

چکیده

موضوع تخفیف کیفر از جمله موضوعاتی است که در دوره‌های مختلف مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. اگرچه در قانون مجازات ۱۳۷۰ هیچگونه حد و مرزی نداشت و قانونگذار صرفاً با اعلام اینکه مجازات تخفیف یافته، باید از مجازات قبلی (مناسب‌تر بحال متهم باشد) اختیاری بدون حد و حصر به قاضی داده بود. برای بهره‌گیری صحیح از تخفیف و تشدید مجازات در فرآیند دادرسی کیفری و در راستای رسیدن به اهداف مجازات‌ها بدیهی است که باید اصول و قواعد حاکم بر این دو نهاد مهم به درستی شناخته شود هدف از انجام این مطالعه بررسی کلیات تخفیف و تشدید مجازات در آیین دادرسی ایران می‌باشد. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. روش گردآوری اطلاعات مراجعه به منابع اطلاعاتی کتابخانه‌ها، مجلات، نوشتارها، جمع‌آوری آن‌ها، ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری از کتب حقوقی، کسب نظر اساتید دانشگاهی، و نیز مراجع دخیل در امور حقوقی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تخفیف و تشدید مجازات، آیین دادرسی، ایران.

مقدمه

اصل فردی کردن مجازاتها یکی از مهمترین اصولی که در حقوق جزای کشورهای مختلف جهان مورد قبول واقع شده است و با توجه به این که افراد انسانی دارای شخصیت های گوناگونی هستند قاضی کیفری موظف است با استفاده از اختیاری که برای او در نظر گرفته شده است به منظور تامین هرچه بهتر اهداف مجازات، با در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگی های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... متهم مجازاتی متناسب با وضعیت وی مورد حکم قرار دهد. در مسائل کیفری، با توجه به رفتار متهم در مرحله تعقیب و تحقیق و دادرسی، گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و مواردی از این قبیل، قانون گذار به دادگاه اجازه داده است که در موارد محدودی، بزهکار را از کیفر مجازات معاف و یا تحت شرایطی قانونی در میزان مجازات وی تخفیف دهد. قانون گذار در بسیاری از موارد مجازات را به دلایلی، تخفیف می دهد و یا امکان اجرای آن ها را غیرممکن می سازد. این تخفیف ها تحت عنوان کیفیات مخففه قضایی و گاه نیز معافیت های قانونی مورد مطالعه قرار می گیرد. در سیر تاریخچه قانون گذاری در ایران، موضوع تخفیف مجازات در مواد ۴۴، ۴۵ و ۴۶ مکرر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و مواد ۴۵ و ۴۶ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ و نیز در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان گردیده است. و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تخفیف مجازات طی مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ آمده است. (نوربها، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

هدف کلی تحقیق بررسی تشدید و تخفیف مجازات قضایی در فرایند دادرسی کیفری ایران می باشد، هدف آرمانی آن شناخت موازین و معیارهای تشدید و تخفیف مجازات بعد از صدور حکم و شناخت نوآوریهای این دو نهاد در حقوق کیفری ایران می باشد، همچنین هدف ویژه تحقیق بررسی آسیب شناختی قوانین جزایی جدید با توجه به مباحث نظری و عملی برای شناخت هرچه بیشتر نقایص قوانین جزایی می باشد.

مبحث اول: تخفیف و تشدید مجازات به طور کلی

تخفیف در لغت به معنای سبک کردن، کاستن، تسکین دادن و آرام دادن است. (معین، ۱۳۹۰: ۲۹۹)

گفتار اول: تخفیف مجازات

یعنی در مقام اعمال مجازات قانونی قاضی با توجه به وضعیت و شرایط وقوع جرم و اوضاع و احوال دیگر موضوع بتواند در صورت صلاحدید کمتر از حداقل مجازات قانونی متهم را محکوم کند و یا کیفر قانونی را به کیفر مناسب دیگری برای متهم تبدیل نماید. منظور از تخفیف مجازات این است که قاضی میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کمتر خفیف تر نماید والا حکم مجازات به حداقل مجازات تخفیف مجازات محسوب نمی شود. (ایمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

بند اول: مفهوم تخفیف مجازات

برحسب قانون به طور صریح و روشن تعریفی از تخفیف کیفر به عمل نیامده است لکن با توجه به مواد مذکور در قانون چنین مستفاد می گردد که قانون اجازه داده در هر مورد که دادرسان مصلحت بدانند و شرایط فراهم باشد کیفر مجرمی، تخفیف یابد و در واقع این تخفیف را مشمول کسانی نماید که قانون آن ها را مستحق تخفیف دانسته باشد. پس تخفیف کیفر یا کم نمودن مجازات از حداقل مجازات قانونی ان باید برحسب اجازه قانون باشد.

دریک تعریف کوتاه می توان گفت: تخفیف کیفر عبارتست از: تعیین مجازات کمتر از حداقل مجازات قانونی یا تبدیل مجازات به نوع دیگری که باتوجه به وضع محکوم علیه عرفا خفیف تر باشد.

اسباب تخفیف کیفرنیز: «موجباتی هستند که هر گاه با اوضاع واحوال وقوع جرم قرین گردد مجازات بزهکار تخفیف می یابد» (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

در نظام قضایی ایران تخفیف مجازات به دو صورت انجام می شود: تخفیف قانونی و تخفیف قضایی منظور از تخفیف قانونی، تخفیف الزامی است یعنی قانون گذار دادگاه را مکلف کرده که در موارد خاصی مجازات جرم را تخفیف دهد مانند ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ماده مذکور مقرر می دارد: "اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند وسایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آن هارا فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می شود و یا از مجازات معاف خواهند شد".

منظور از تخفیف قضایی، اختیار دادگاه نسبت به اعمال تخفیف در مجازات قانونی است. ماده ۳۷ این قانون در مقام بیان تخفیف قضایی است.

ماده ۳۷ بیان می دارد: "در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات تعزیری را... تقلیل دهد." در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری است: "تخفیف کیفر تأثیری در میزان تقصیر و مسئولیت بزهکار ندارد بلکه در تقلیل میزان مجازات موثر است" (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

بند دوم: مبنای تخفیف کیفر

الف: مبنای منطقی و عقلی

منطق عرفی و عقل بشری نمی پذیرد که افرادی که با شخصیت های گوناگون، گرایز، تمایلات وانگیزه های متفاوت در صورت ارتکاب عمل یا ترک عملی که بر حسب مجرمیت بر آنها خورده به فرض شبه جرایم، به یک میزان کیفر دهد. عناصر مختلفی را باید در نظر گرفت تا اهداف اصلاحی و درمانی غالب بر اهداف سرکوب گر باشند. یکی از این عناصر توجه به کیفیات تخفیف دهنده است که به قضات اجازه می دهد قانونی را که غیر عادلانه و شدیدتشیص می دهند اصلاح کنند چراکه قانون گذار نیز مصون از بی توجهی به مقتضیات و شرایط نیست و منطق و عقل نمی پذیرد که قانون گذار در خلأ قانون گذاری کند (نوربها، ۱۳۹۰: ۴۴).

ب: مبنای قانونی

قانون تبلور نیازها و توقعات جامعه است و قانون گذاری نشانه ای از توجه به این نیازها و توقعات است. به رغم عدم مصونیت قانون گذار از اشتباه و لغزش بخصوص نقش قانون گذار در توجه به آزادی های اساسی و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی یک ملت برای تدوین قوانینی مناسب تردید ناپذیر است. بنابراین در کنار تصمیمات متعدد قاضی را نیز در اتخاذ تصمیم بی پروا ازاد نمی گذارند و سعی در محدود کردن اختیارات او را دارند (نوربها، ۱۳۹۰: ۴۵).

قانون گذار، خود با اشراف به این نکته که امکان درج کلیه مسایلی که در راستای وظیفه قانون گذاری برعهده اوست در مجموعه های قوانین وجود ندارد کوشش می کند به قاضی در حد منطقی و متعارف اجازه دهد تا با تشخیص خود شدت قوانین را تعدیل کند. در هر حال این قانون گذار است که یا رأساً کیفیات مخففه را در متون قانونی درج می کند و قاضی را مکلف به اجرای آن می نماید یا به قاضی اختیار اعمال آنها را می دهد.

ج: مبنای قضایی

توجه به شخصیت مجرمان، قاعده مهم تناسب بین جرم و مجازات و دیدگاه قانون گذار دروضع کیفیات مخففه وجهات ان قاضی راواردار می کند که در صورت وجود این کیفیات بدانها بی اعتنا نماند. البته در کیفیات مخففه قانونی قاضی علی القاعده اختیاری ندارد و ملزم به رعایت آن هاست. اما در کیفیات مخففه قضایی برای قاضی دقیق، عادل، موشکاف و تیزبین راندن همه افرادی که جرم انجام داده اند به یک چوب صحیح نیست و او با دراختیار داشتن ابزارهای قانونی تخفیف کوشش می کند مجازات هایی متناسب با جرم انجام یافته و شدت ان و شخصیت مجرم در نظر گیرد (نوربها، ۱۳۹۰: ۴۶).

د: مبنای طبیعی

همانگونه که مدافعین قانون طبیعی همواره می گویند بهترین قانون ان است که بارعایت مصالح طبیعت وضع گردد و باتوجه به این که قانون گذاران همواره درحفظ نظم جامعه مقرراتی وضع می کنند، این مقررات باید عادلانه و بر مقتضای طبیعت وضع شود که هم قابل اجرا بوده و هم نظام جامعه را حفظ نماید .

از این نظر چون برحسب طبیعت همه افراد از لحاظ شرایط محیط، فهم، خلقت، رشد، پیری، نحوه معیشت، محیط تربیت وحتی طرز فکر یکسان نمی باشند قهری است که اعمال صادره از انها هم به علل مذکور در شرایط یکسان صادر نمی گردد. نتیجتا مجازات های انها هم باید تفاوت داشته باشد یعنی صادر گردد. علاوه براین با توجه به این که در یک داروی ترکیبی اگر کیفیت ترکیب صحیح و دقیق عملی نشود نه تنها شفابخش نبوده بلکه مضر هم واقع می شود. به همان کیفیت، امر تعیین مجازات و رعایت تخفیف و یا تشدید از نظر سلامت جامعه و رعایت اعتدال ان ضروری و مسلم است .

بنابراین مبانی بر این اساس می باشد که ممکن است اختیار دادگاه برای تخفیف مجازات مورد انتقاد قرار گیرد که این اختیار موجب سوءاستفاده احتمالی دادگاه می شد و موجب تجری مجرم خواهد بود و اثر مجازات را خنثی می کند. اما فواید زیادی نیز برای تخفیف مجازت برشمرده شده است :

مجازات باید با نوع جرم و شخصیت مجرم سازگاری داشته باشد و تخفیف مجازات می تواند این سازگاری را برقرار سازد و دادگاه میزان مجازات را با در نظر گرفتن این عوامل تعیین کند .

عدالت اجتماعی اقتضاء می کند که همه مجرمان به یک نحو مجازات نشوند و قاضی می تواند با توجه به شرایط حاکم بر قضیه، عدالت مزبور را برقرار سازد .

در برخی موارد افکار عمومی خواهان تخفیف مجازات برای مجرم است و چون افکار عمومی نقش مهمی در مجازات دارد باید دادگاهها بتوانند با اختیارات خود به این افکار عمومی پاسخ دهند .

قاضی، یک ماشین خودکار نیست که بدون داشتن اختیارات و به فرمان دیگری عمل کند بلکه باید دست او برای تعیین مجازات مناسب در مواقع مقتضی باز باشد و تخفیف وسیله ای برای آن مهم است .

برابر تعریف ماده ۲۱۶ ق. م. ا. تعزیر، مجازاتی است که نوع و مقدار آن به نظر حاکم واگذار شده است؛ بنابراین در تخفیف مجازت نباید قاضی را محدود کرد و به همین دلیل است که قاضی می تواند تا حد دلخواه خود مجازات را تخفیف بدهد. البته این موارد تنها از یک جنبه که جنبه تخفیف مجازت است قابل دفاع است اما از جهت تشدید هم باید قاضی بتواند با توجه به نوع جرم و خصوصیات مجرم، مجازات را تا حد مقتضی تشدید کند درحالی که چنین اختیاری به قاضی داده نشده است. (زرعت، ۱۳۹۲: ۸۸)

گفتار دوم: معافیت از تخفیف مجازات

توسل به تخفیف یا تبدیل مجازات، وسیله‌ای مناسبی برای تعدیل کیفر و اجرای عدالت است. معنی حقوقی تخفیف مجازات، پایین آوردن کیفر از حداقل قانونی آن است. در مقابل تبدیل مجازات، تغییر ماهیت مجازات به نوع دیگر، مجازات مناسب‌تر به حال متهم است یعنی تبدیل حبس یا شلاق به جزای نقدی، ممکن است برای متهم مفید باشد.

در مورد کیفیات مخففه، دادگاه در صورت وجود شرایطی و کیفیاتی که علل و جهات آن را قانون‌گذار تعیین نموده است، می‌تواند مجازات مرتکب را در هر جرمی تخفیف دهد. معافیت از مجازات، موضوع معاذیر قانونی معافیت از مجازات است که با عوامل موجهه جرم متفاوت است. به طوری که طبق ماده ۱۵۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ دفاع مشروع رفتاری مجرمانه است که در صورت اجتماع شرایط چهارگانه^۶ مذکور در ماده قانون مزبور، مرتکب (و یا دفاع کننده) در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری مجازات نمی‌شود. تبدیل اصطلاحات حقوقی «علل یا عوامل موجهه جرم» به معاذیر قانونی معافیت از مجازات، دفاع کننده را سال‌ها دچار مشکل می‌سازد؛ زیرا معافیت مرتکب از مجازات منوط به حکم دادگاه است که مرتکب را سال‌ها دچار تعقیب و تحقیق و حضور در مراجع قضایی می‌کند. تا دادگاه شرایط را احراز کند پس تسلیم به متجاوز و متعدی و پذیرش خفت با سلب حیثیت ممکن است موجب تسلیم و رضای قربانی به تجاوزات و تعدیات ستمگران شود.

پذیرش مصادیق عوامل موجهه ی جرم مانند امر آمر قانونی، دفاع مشروع، عملیات جراحی یا طبی مشروع با رعایت موازین علمی و فنی و حوادث ناشی از عملیات ورزشی با رعایت ضوابط قانونی و به‌طور کلی همه ی اقدامات مربوط به موانع مسئولیت کیفری می‌توانند با شرایطی، از رفتار مجرمانه سلب وصف جزایی کنند و از ابتدا رفتار مشروع و قانونی را از قلمرو رفتار مجرمانه خارج می‌سازند. تا امنیت جامعه و افراد در پناه انصاف و عدالت بتواند نظم اجتماعی را برقرار سازد.

از سوی دیگر، مراجع قضایی، اغلب با بزه‌کارانی مواجه می‌شوند که به جهات اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و امثال آن تعیین کیفر قانونی را نسبت به متهمان سنگین می‌دانند و قائل به تخفیف مجازات هستند. حتی ممکن است دادگاه‌ها برای پرهیز از محکومیت و اعمال کیفرهای قانونی ولی نامتناسب، بر صدور احکام برائت (متهمان واقعاً مرتکب) بیفزایند.

برای مثال، برابر قسمت اخیر ماده ۵۹۸ ق.م.ا. تعزیرات و مجازات بازدارنده «در مورد تضييع اموال و وجوه دولتی به علت اهمال یا تفریط و یا مصرف آن‌ها اعتباری منظور نشده و یا در غیر موارد معین یا زائد بر اعتبار یا استفاده غیرمجاز بدون قصد تملک به نفع خود یا دیگری مستوجب شلاق تا (۷۴) ضربه علاوه بر پرداخت اجرت المثل و جبران خسارات وارده است»، به علت سخت گیری زیاد قانون‌گذار، در عمل برای موارد جزئی و با توجه به غیرعمدی بودن تضييع اموال توسط کارمندان با حقوق کم و ناچیز.

یکم- این موارد کمتر به دادگاه‌ها ارجاع می‌شود (با تنظیم صورت جلسه‌های خلاف و جبران آن از بودجه عمومی)

دوم- در صورتی هم که به‌ندرت در سلسله مراتب اداری و قضایی مطرح شود توسل به تخفیف و یا تبدیل مجازات، وسیله مناسبی برای تعدیل کیفر و اجرای عدالت است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۹۹)

گفتار سوم: علل تخفیف مجازات

علل تخفیف مجازات شرایط و اوضاع و احوالی است که موجب کنترل مجازات به کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون می‌شود. علل تخفیف دهنده مجازات را نباید با معاذیر تخفیف دهنده مجازات یکی دانست زیرا علی‌رغم شباهت بین علل مخففه و معاذیر تخفیف دهنده از نظر تنزل مجازات، معاذیر تخفیف دهنده مجازات توسط قانون‌گذار پیش‌بینی می‌شود و حصری است درحالی‌که علل تخفیف دهنده مجازات به تشخیص و قضاوت آزادانه دادگاه واگذار شده است دادگاه باید علل

تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند. این مطلبی است که در تبصره اول ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بدین شرح مورد تأکید قرار گرفته است: ((دادگاه مکلف است جهات تخفیف را در حکم صریحاً قید کند)). (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

گفتار چهارم: هدف از تخفیف مجازات

عدالت ایجاب می‌کند که قاضی هنگام صدور حکم محکومیت و مجازات علاوه بر جرم ارتكابی و نحوه انجام آن نسبت به شخص مجرم و شرایط خاص او چون سن جنسیت موقعیت خانوادگی اجتماعی و اقتصادی ویژگی‌های روانی و ساختارهای وراثتی او توجه کند. همچنان که به خسارت وارده بر مجنی علیه جرم و جامعه با دقت کافی محکوم نماید و با دقت نمودن در این موارد و رعایت تناسب بین جرم و مجازات به صدور حکم عادلانه مبادرت ورزد که مورد پذیرش وجدان قاضی و زیان‌دیده از جرم حتی شخص بزهکار قرار گیرد. (بهری، ۱۳۹۱: ۴۹)

گفتار پنجم: بررسی تخفیف مجازات از لحاظ سیر تاریخی

برای شناخت دقیق‌تر تخفیف مجازات و تغییراتی که در طی سال‌های گذشته انجام شده است لازم است ابتدا سیر تاریخی آن بررسی شود و سپس به بررسی تغییراتی که در تصویب قانون مجازات اسلامی تاکنون انجام شده است پرداخته شود در اینجا به سابقه و سیر تاریخی تخفیف مجازات می‌پردازیم.

بند اول: تخفیف مجازات در دین اسلام

دین اسلام چون دین بخشش و رحمت است سعی دارد تا مجرمین از کرده خود پشیمان شده و راه سعادت در پیش گیرند و نسبت به آن‌ها طبق برخی شرایط راه ملاطفت و بخشش را باز کرده تا به آغوش جامعه بازگردد البته اسلام در کنار تخفیف مجازات عوامل تشدید مجازات را نیز آورده است دلیلی که برای این رویکرد در اسلام ذکر کرده‌اند این است که پیامبر دین اسلام رحمه‌العالمین است و برای بخشش گناهکاران آمده است دلیل دوم همان طبیعت ذاتی اسلام است که بر اساس «یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»

ای خدایی که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته، بناشده است. با توجه به این مقدمه به عوامل تخفیف مجازات در دین اسلام و راه‌هایی که سبب معافیت از مجازات است می‌پردازیم. (حبیب زاده، ۱۳۸۱: ۷۸)

بند دوم: فرق میان اقرار و شهادت

اولین موضوعی که در تخفیف مجازات اسلامی نظر را جلب می‌کند طریق اثبات جرم است طبق قوانین اسلامی اگر راه و روش ثبوت جرم اقرار باشد حاکم شرع می‌تواند فرد مجرم را مورد عفو قرار دهد. در حقوق موضوعه ایران نیز قانون‌گذار در قوانین قبلی و نیز قانون مجازات ۱۳۹۲ با توجه به اینکه قوانین ایران متأثر از قوانین اسلامی است به این موضوع اشاره کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۳)

بند سوم: توبه و کار نیک

با مطالعه کتب فقهی و روایی به این نکته می‌رسیم که بعد از ظهور اسلام چون اجرای احکام الهی با پیامبر اسلام و امامان بوده است و آنچه برحسب حدیث که از ائمه طاهره رسیده است که ایشان گاهی مجرمینی را به علت توبه و یا انجام کار نیک از مجازات معاف کرده یا در مجازاتشان تخفیف قائل می‌شدند.

بند چهارم: عفو حاکم

یکی دیگر از عواملی که در دین اسلام عامل عفو یا بخشودگی مجازات است عفو حاکم شرع است یعنی حاکم با اختیاراتی که در اختیار دارد می‌تواند به مجرم کمک کند تا مجازات او تخفیف یابد و او را به کلی از مجازات معاف شود البته این اختیارات نیز حدودی دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد لیکن قبل از توضیح این بحث ذکر این نکته را اساسی میدانم و آن این است که قرآن مجید قبل از هر کسی پیامبر گرامی اسلام را مخاطب ساخته و در رابطه با رفتار با دشمنان می‌فرماید «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» آن‌ها را ببخش و از گناهشان صرف‌نظر کن که خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (مائده/ ۱۳)

در پنج آیه از قرآن مجید خداوند به‌عنوان «عفو» به‌عنوان عفو‌کننده توصیف شده و جالب اینکه در پشت سر آن نیز کلمه غفور (بخشنده) آمده است با این مقدمه کوتاه به بحث عفو قاضی بازمی‌گردیم .

از نظر قوانین اسلامی حاکم شرع در چند مورد اختیاراتی برای بخشیدن مجرمان دارد :

اول اینکه جرم از راه اقرار خودش ثابت شده باشد و مجرم پشیمان شده باشد و از گناه خود توبه کند در اینجا حاکم شرع می‌تواند او را عفو کند یا اگر صلاح بداند حد را بر او جاری سازد دیگر اینکه کسی به‌طور سر بسته اقرار کند که من گناهی مرتکب شدم که موجب حد است اما بیان نکند که این گناه چه گناهی بوده است لازم نیست حاکم شرع توضیحی از او بخواهد بلکه همین اندازه دستور اجرای حد تازیانه می‌دهد و هر زمان خود مجرم گفت بس است دستور توقف تازیانه می‌دهد؛ مورد دیگر اینکه حاکم شرع دستور تعزیر را صادر کند سپس می‌بیند قبل از آنکه به پایان مدت مجازات رسیده باشد تعزیر اثر خود را بخشیده است در اینجا می‌تواند مجرم را آزاد کند چراکه تعزیر میزان ثابتی در شرع ندارد بلکه بسته به نظر قاضی است و مقدار آن متناسب مقدار جرم و هدف آن پیشگیری از تکرار جرم است اگر هدف محقق شود موجبی برای ادامه تعزیر نیست. حاکم شرع نیز می‌تواند شاکیان خصوصی را تشویق به عفو و گذشت کند تا در موردی که اجرای حد منوط به شکایت شاکیان خصوصی است همچنین در مورد قصاص که مجرم مورد عفو قرار می‌گیرد. حاکم شرع در مورد مجازات محارب طبق فتوای معروفی مخیر است که مجازات شدید یا خفیفی بر طبق مصالح اعمال کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۹۶)

بند پنجم: توبه قبل از اقامه بینه

هرگاه مجرمی قبل از ثبوت جرم از طریق شهود توبه نماید حد از او ساقط می‌گردد خواه مجازات آن اعدام باشد مانند زنا یا محصنه یا مجازات تازیانه؛ بنابراین مجرمان نادم و پشیمان فرصت دارند که قبل از اقامه بینه شرعی از کار خود توبه کنند به‌سوی خدا روند و از راه پاکی و درستی را پیش گیرند و به آغوش اجتماع بازگردند و به‌این ترتیب آن‌ها نیز می‌توانند از عوامل تخفیف مجازات سود ببرند و خود را اصلاح کرده و به آغوش جامعه اسلامی بازگردند. (مفاخری، ۱۳۸۱: ۴۳)

گفتار ششم: سیر تقنینی تخفیف مجازات در قانون ایران**بند اول: تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲**

بحث تخفیف مجازات در سیستم قضایی ایران با تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای اولین بار مورد توجه قانون‌گذار سیستم قضایی ایران قرار گرفته است در این قانون قانون‌گذار مواد ۴۳ تا ۴۶ را به تخفیف مجازات اختصاص داده بود که به دلیل نسخ مقررات مذکور از بررسی دقیق آن خودداری و به ذکر مواد مربوطه در ارتباط با تخفیف مجازات اکتفا می‌کنیم. (آزمایش، ۱۳۴۹: ۲۱)

۴۳- هیچ جنایت یا جنحه را نمی‌توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آن را قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است .

۴۴- در مورد جنایات در صورتی که که مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه می‌تواند مجازات جنایی را به طریق ذیل تخفیف دهد :

۱- اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه .

۲- حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه یا به حبس مجرد .

۳- حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تأدیبی کمتر از دو سال نباشد .

۴- حبس مجرد به حبس تأدیبی که کمتر از شش ماه نباشد .

۵- تبعید به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین .

۶- محرومیت از تمام حقوق اجتماعی یا بعض آن .

در مورد جنحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد محکمه می‌تواند مجازات حبس تأدیبی را تا هشت روز تخفیف داده یا آن را تبدیل به غرامت نماید .

ماده ۴۵ مکرر قانون مذکور که در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۵ به تصویب رسیده بود چنین مقرر می‌داشت: در مورد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند می‌تواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و حداکثر باشد محکمه می‌تواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد .

ماده ۴۶- در حق مردانی که عمر آن‌ها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زن‌ها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی‌شود و مجازات آن‌ها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود. (آزمایش، ۱۳۴۹: ۲۴)

بند دوم: تخفیف مجازات در قانون راجع به مجازات اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قانون مجازات عمومی که در سال ۱۳۵۲ به تصویب رسیده بود تا سال ۱۳۶۱ اجرا می‌شد تا اینکه در این سال در راستای اسلامی شدن قوانین قانونی جدید با عنوان قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی قانون مجازات عمومی منسوخ شد از جمله تغییراتی که در این قانون صورت پذیرفت تقسیم‌بندی جرائم به حدود تعزیرات قصاص و دیات بود لذا تقسیم‌بندی سابق که جرائم را به خلاف جنحه و جنات بود از بین رفت. در قانون راجع به مجازات اسلامی انجام تخفیف تنها در تعزیرات قابل اعمال بود لذا انجام تخفیف در حدود با توجه به اینکه این جرائم در شرع مجازات ثابتی دارند امکان‌پذیر نیست. (خزانی، ۱۳۷۰: ۴۷)

بندسوم: تخفیف مجازات در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری

همان طوری که طبق ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی گفتیم در جرائم تعزیری اعمال کیفیات مخففه بدون هیچ گونه محدودیتی ممکن بود و دادگاه می توانست در صورت احراز جهات مخففه مجازات مرتکب را تا هر میزان که بخواهد تخفیف دهد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل کند مقررات ماده مذکور تا سال ۱۳۶۷ در خصوص کلیه جرائم تعزیری لازم الاجرا بود تا اینکه در تاریخ ۱۵/۹/۱۳۶۷ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری به تصویب مجمع تشدید مصلحت نظام رسید و محدودیت هایی در رابطه با اعمال ماده ۳۵ قانون مجازات در خصوص تخفیف مجازات در پاره ای از جرائم وضع نمود. تبصره ۱ قانون مذکور در تخفیف مجازات مرتکبین جرم کلاهبرداری چنین مقرر می دارد :

در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد .

بنابراین مطابق تبصره مذکور دادگاه در صورت جهات مخففه صرفاً قادر است مجازات مرتکب را تا حداقل مجازات حبس تقلیل دهد ولی نمی تواند به کمتر از حداقل تقلیل دهد اما با توجه به این موضوع که اصولاً دادگاه می تواند بدون اعمال تخفیف، مجازات را از حداقل تا حداکثر مذکور در این ماده تعیین کند چنین نتیجه می گیریم که قانون گذار در این تبصره اصولاً اعمال تخفیف را ممنوع کرده است .

تبصره ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری در خصوص خرید و فروش موافقت اصولی یا سوءاستفاده از آن و یا تقلب در توزیع کالا چنین مقرر می دارد :

در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود .

همچنین تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری در خصوص بزه اختلاس چنین مقرر می دارد :

در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود .

با عنایت به اینکه در تبصره مذکور عبارت «... بنا به مورد حداقل انفصال موقت یا دائم» قید شده این سؤال مطرح می شود که آیا لفظ (حداقل) به انفصال دائم نیز مربوط می شود یا اینکه صرفاً به انفصال موقت اختصاص دارد؟

برخی بر این باورند که قانون گذار در خصوص انفصال دائم نیز حداقل قائل شده است، حداقل مورد نظر در ماده ۵ قانون مذکور پنج سال انفصال است بدین توضیح که حداکثر انفصال موقت پیش بینی شده در تبصره ۲ ماده ۵ را به عنوان حداقل انفصال دائم محسوب می نمایند به نظر این جانب این عقیده صحیح نیست چرا که انفصال دائم مجازات ثابتی است و فرض وجود حداقل و حداکثر در آن وجود ندارد و ثانیاً عبارت «بنا به مورد» که در تبصره ۶ ماده ۵ بیان شده است ناظر به موارد مختلف انفصال موقت (شش ماه تا سه سال و یک تا پنج سال است) است که در ماده ۵ و تبصره های آن مقرر گردیده است و منظور از آن موارد مختلف انفصال موقت و انفصال دائم نیست و ثالثاً در تبصره ۱ ماده ۱ لفظ انفصال دائم استعمال شده است در صورتی که در ماده مذکور اصولاً انفصال موقت پیش بینی نشده است تا اینکه بخواهیم حداکثر مدت آن را حداقل انفصال دائم محسوب

نماییم و نهایتاً قرینه دیگر این دیدگاه این است که در تبصره ۶ ماده ۵ قانون مذکور عبارت انفصال دائم به کمک لفظ یا از عبارت «حداقل انفصال موقت» تفکیک گردیده است. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۴)

گفتار هفتم: تبیین مفاهیم تشدید مجرم

بند اول: مفهوم تشدید

تشدید در لغت به معنی شدت بخشیدن و بدتر و سخت تر کردن است معنی اصطلاحی آن از معنی لغوی اش دور نیفتاده است؛ به نحوی که منظور از آن بدتر کردن وضعیت متهم در مرحله ی تجدیدنظر نسبت به مرحله ی بدوی است. این تشدید می تواند مصادیق مختلفی پیدا کند. افزایش میزان مجازات و نیز تبدیل آن به نوعی دیگر که با توجه به وضعیت متهم، نامناسب به حال وی باشد یا خارج کردن آن از حالت تبدیل و اعاده ی آن به حالت سابق (برای مثال؛ دادگاه متهم را به جای حبس به جزای نقدی محکوم کرده و دادگاه تجدیدنظر دوباره آن را به حبس تبدیل کند)، از مصادیق تشدید است .

به طور کلی هر اقدامی که وضعیت متهم را نسبت به مرحله ی بدوی بدتر نماید، تشدید تلقی می شود. در این معنا، تغییر مجازات جنحه ای به جنایی یا تعیین مجازات حبس با اعمال شاقه به جای حبس ساده، می توانست از مصادیق تشدید باشد. در حال حاضر تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف وجود ندارد)

بند دوم: قاعده تشدید مجازات است یا منع تشدید مجازات

باید گفت که تشدید مجازات محکوم علیه، به اعتبار آن که وی را در وضعیت بدتری قرار می دهد، اساساً جایز نیست. که به این مطلب عقل حکم می کند علاوه بر این با بررسی مواد قانونی پی می بریم که قانونگذار نیز به این اصل توجه داشته است و بر آن صحه گذاشته است .

فایده دانستن اصل این است که در موارد شک در جواز تشدید مجازات یا عدم جواز آن، می توانیم به این اصل مراجعه کنیم .

پرسش ابتدایی آن است که چرا قانون گذار تشدید مجازات را در مرحله ی تجدیدنظر ممنوع اعلام می کند؟ همانگونه که پیش تر نیز گفته شد، پاسخ این پرسش را باید در ممنوعیت تشدید وضعیت متهم پیدا کرد. ممکن است این استدلال نوعی تسلسل تلقی شود، اما با اندکی دقت، معلوم می شود که چنین نیست .

حقوق دانان ممنوعیت تشدید وضعیت متهم در مرحله ی تجدیدنظر را تحت قاعده ی «منع اصلاح به ضرر پژوهش خواه بیان می کنند»، و معتقدند که: «شکایت استینافی متهم نباید به ضرر او تمام شود.» (هدایتی، ۱۳۴۲: ۱۲۱)

محدودیت مذکور بر این پایه استوار است که متهم با دریافت مجازات خفیف تر در مرحله ی بدوی، یک نوع حق مکتسب تحصیل کرده و نمی توان این حق مکتسب را از او سلب کرد مگر به سبب قانونی .

مبنای این حق مکتسب، در احترامی است که قانون گذار برای متهم در نظر گرفته است. به عبارت دیگر، اساس بحث آن است که قانون گذار می خواهد اعلام کند که صرفاً در مقام انتقام جویی از متهم نیست و آنچه را دادگاه بدوی برای وی تعیین کرده، محترم می دارد. چون اساس رسیدگی، همان رسیدگی نخستین است و مفروض آن است که دادگاه بدوی با لحاظ تمام اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم مجازات متناسب را برای وی تعیین کرده است. به عکس، اگر این مجازات به نظر دادگاه تجدیدنظر نامتناسب جلوه نماید، دادگاه مزبور می تواند آن را تخفیف دهد؛ اما، اگر از حیث قلت نامتناسب نماید، اساساً دادگاه تجدیدنظر حق تشدید آن را ندارد؛ حتی، اگر برای مجازات صبغه ی انتقام جویی را در نظر بگیریم (که قطعاً واجد چنین صبغه ای است)، در پاسخ باید بگوییم که متهم بر اساس میزان مجازاتی که توسط دادگاه بدوی تعیین می شود، در معرض انتقام قرار

خواهد گرفت و نباید وی را همیشه در معرض اضطراب قرار داد. مجازاتی که توسط دادگاه بدوی تعیین می شود، ما به ازاء عمل خطاکارانه ای است که از متهم سر زده و نمی توان تعیین آن را به نظر دادگاه تجدیدنظر منوط کرد. حتی، می توان گفت سلب این حق مکتسب از متهم در مرحله ی تجدیدنظر، امری خلاف عدالت است. بر این اساس، تشدید مجازات در صورت تجدیدنظرخواهی متهم ممنوع است؛ به نحوی که، قاعده بر عدم تشدید مجازات در این صورت است. چون، اگر متهم بداند که در صورت تجدیدنظرخواهی ممکن است مجازات وی تشدید شود در اعمال حق خود دچار تردید خواهد شد و ممکن است حق تجدیدنظرخواهی خود را از دست بدهد .

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰، مجازات اساساً جنبه ی عمومی داشت و شاکی خصوصی حقی به مجازات نداشت. هر چند در جرایم قابل گذشت، اختیار جریان دعوی عمومی با وی بود، اما در میزان مجازات قابل تعیین اساساً حق دخالت نداشت) فقط در جرایم قابل گذشت می توانست با گذشت خود باعث شود مجازات در مورد متهم یا محکوم علیه اعمال نشود؛ وی اساساً حق تجدیدنظرخواهی از جنبه ی کیفری حکم را نداشت و فقط می توانست در مورد دعوی خصوصی تجدیدنظرخواهی کند و به همین اعتبار بود که در ماده ی ۳۴۸ این قانون، تشدید مجازات فقط بر اساس تجدیدنظرخواهی دادستان پیش بینی شده بود .

منع تشدید مجازات، علاوه بر مرحله ی تجدیدنظر، به مرحله ی فرجام خواهی نیز ناظر می شود. شعبه ی دوم دیوان عالی کشور، در رأی شماره ی ۲۳۷۳ - ۱۳۲۹/۹/۱۱ در این مورد مقرر داشته است: « هر گاه حکم جنایی فقط بر اثر فرجام خواهی متهم نقض شود، دیوان جنایی مرجوع الیه نمی تواند جرم دیگری غیر از آنچه مورد حکم اول بوده، برای متهم در نظر گرفته و برای آن هم مجازات جداگانه تعیین نماید؛ زیرا این عمل در حقیقت تشدید مجازات به شمار می آید. « هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز طی رأی شماره ی ۱۳۹۰ - ۱۳۳۹/۴/۲۰ مقرر داشته است: « تشدید کیفر پس از نقض حکم در دیوان کشور بر اثر فرجام خواهی متهم در صورتی که دادستان رسیدگی فرجامی درخواست نکرده باشد، مخالف اصول و مقررات قوانین کیفری می باشد » (آرشیو حقوقی کیهان، ۱۳۵۳: ۸۶)

گفتار هشتم: جهات تشدید مجازات

ممکن است فردی، با وجود آن که مجازات جرم ارتكابی اولیه را تحمل نموده است. باز هم متنبتّه نشده و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید و یا این که به دفعات مرتکب جرمی شود. در این مورد قانون گذار برای مرتکب جرم مسؤلیت کیفری بیشتری را قائل است و مجازات‌های سنگین تری را پیش‌بینی کرده است .

تشدید مجازات فقط در صورتی ممکن است که این مجازات از طرف خود قانون گذار پیش‌بینی شده باشد و دادرس دادگاه نمی‌تواند به میل و اختیار خود مجازات جرمی را تشدید نماید، هر چند که جرم ارتكابی خطرناک باشد. از جمله عوامل تشدید کننده جرم نیز میتوان موارد زیر نام برد :

۱- علل عمومی: به عواملی گفته می‌شود که به جرائم معین اختصاص ندارد، بلکه در هر جرمی که مصداق پیدا کند باعث تشدید مجازات خواهد شد. جهات عمومی تشدید در حقوق جزای ایران تنها در دو عامل تعدد و تکرار جرم مصداق پیدا می‌کند .

۲- علل اختصاصی: عواملی هستند که مربوط به یک جرم خاص یا جرائم معینی می‌شوند مثلاً سرقت در شب با اسلحه از عوامل مشدده مجازات آن محسوب می‌شوند .

۳- علل عینی: کیفیاتی هستند که در برخی جرائم وجود داشته باعث می‌گردند تا ارتکاب جرم خطر بیشتری را برای افراد جامعه ایجاد کند. از این نظر قانونگذار مجازات سنگین‌تری را برای خود عمل مجرمانه تعیین کرده است مانند سرقت از یک محل مسکونی یا سرقت مسلحانه در شب موجب تغییر ماهیت سرقت شده و مجازاتش تشدید می‌شود.

۴- علل شخصی: کیفیاتی هستند در شخص مرتکب جرم که باعث تشدید مجازات او می‌شوند مانند حالت مستی در اغلب جرایم. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

جمع بندی و نتیجه گیری

موضوع تخفیف کیفر از جمله موضوعاتی است که در دوره‌های مختلف مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. اگرچه در قانون مجازات ۱۳۷۰ هیچگونه حد و مرزی نداشت و قانونگذار صرفاً با اعلام اینکه مجازات تخفیف یافته، باید از مجازات قبلی (مناسب‌تر بحال متهم باشد) اختیاری بدون حد و حصر به قاضی داده بود. اما رفته رفته مقنن سعی کرده شرایط تخفیف را با دقت و شفافیت بیشتر بیان کند تا اینکه اختیارات قضات محدودتر و نظام‌مندتر گردد. تخفیف یا تشدید مجازات صرفاً کم شدن یا اضافه شدن به مجازات مذکور در حکم نیست بلکه مواردی همچون تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط نیز خود نوعی تخفیف یا تشدید می‌باشد. برای بهره‌گیری صحیح از تخفیف و تشدید مجازات در فرآیند دادرسی کیفری و در راستای رسیدن به اهداف مجازات‌ها بدیهی است که باید اصول و قواعد حاکم بر این دو نهاد مهم به درستی شناخته شود. همانگونه که بیان شد تخفیف مجازات دو گونه است:

۱- تخفیف قانونی

۲- تخفیف قضائی .

که در مورد اول قانونگذار دادگاه (قاضی) را مکلف کرده که در موارد خاصی مجازات جرم را تخفیف دهد مثل ماده ۵۳۱ و در تخفیف قضائی قانونگذار به دادگاه (قاضی) اختیار داده که در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف می‌تواند تخفیف دهند که ماده ۳۷ به این امر تصریح دارد پس قاضی در مواردی اختیار دارد که مجازات را تخفیف دهد و در مواردی مکلف به اعمال این تخفیف است .

برای بهره‌گیری صحیح از تخفیف و تشدید مجازات در فرآیند دادرسی کیفری و در راستای رسیدن به اهداف مجازات‌ها بدیهی است که باید اصول و قواعد حاکم بر این دو نهاد مهم به درستی شناخته شود که با توجه به توضیحات ارائه شده اعمال کیفیات مشدده و مخففه امری بسیار حساس است و اشتباه در آن موجب بروز مشکلات و جدی و غیر قابل جبران برای مجرم و خانواده وی و جامعه می‌شود (عظیم زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

شایان ذکر است که با توجه به قوانین جدیدالتصویب سیاست کیفری ما از جنبه سرکوبگرانه به سمت عدالت محور و قائل شدن ارزش واقعی برای شخصیت مجرمین سوق پیدا کرده است و این خود یک افق روشن در نظام قضایی و کیفری می‌باشد که باعث جرم زدایی و همچنین کاهش حجم زندانیان و برداشتن باری از روی دوش دولت مبنی بر کاهش هزینه‌های اضافی زندان و زندانیان می‌باشد .

منابع

۱. ایمانی، عباس (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات حقوقی؛ تهران، نشر میزان .

۲. آرشیو حقوقی کیهان (۱۳۵۳). مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۲، جلد اول، چاپ دوم
۳. آزمایش، علی (۱۳۴۹). رویه قضایی در امر تخفیف کیفر، ماهنامه قضایی سال پنجم، شماره ۵۵ تا ۵۹ .
۴. باهری، محمد (۱۳۹۱). حقوق جزای عمومی؛ تهران، نشر جنگل .
۵. حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۸۱). مبنا و ملاک تعزیر، ماهنامه دادرسی ش ۳۲، سال ششم .
۶. خزانی، منوچهر (۱۳۷۰). اثر انتقالی پژوهش در احکام کیفری، مجله ی تحقیقات حقوقی، تهران، دانشکده ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی شماره ی ۹
۷. زراعت، عباس (۱۳۹۰). شرح قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، تهران، نشر فقنوس .
۸. عظیم زاده، شادی (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر دوراندیشان .
۹. قانون مجازات اسلامی مصوب سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ .
۱۰. قرآن کریم
۱۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳). محشای قانون مجازات اسلامی بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر میزان .
۱۲. معین، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر امیرکبیر .
۱۳. مفاخری، فاضل (۱۳۸۱). اعاده دادرسی در امور کیفری، پایان نامه ی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). عوامل تخفیف جرم و مجازات، قم، نشر امیرالمؤمنین .
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). از جرم مداری تا بز ه دیده مداری، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول
۱۶. نوریها، رضا (۱۳۹۰). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان .
۱۷. هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۲). آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

Discounts and Intensification of Punishments Generalities in Procedure of Iran

Mehdi Najafi¹, Gholamreza Solatanfar²

*Department of Law, Fars Science and Research Branch, Islamic Azad University, Fars, Iran
Department of Law, Islamic Azad University, Branch of Shiraz, Shiraz, Iran (corresponding author)*

Abstract

Mitigation of penalty is one of the topics that has attracted the attention of legislators in different periods. This mitigation had no limits according to the Penal Code passed in 1370, and the legislator had given the judges absolute authority in this regard, stating that the mitigated punishments must be more suitable for the accused. To make proper use of the penalty mitigation or exacerbation in the criminal justice process and to achieve the objectives of punishments, we should get to know about the principles and rules of these two important institutions. The aim of this study is to evaluate the general points about mitigation and exacerbation of penalties in Iranian Criminal Procedure. A library research method has been used in this study. The data have been collected via note-taking from the databases of libraries, magazines and documents as well as by consulting some university professors and authorities involved in legal matters.

Keywords: mitigation and exacerbation of penalty, Criminal Procedure, Iran.
